

جایگاه مادری در اسلام و روانشناسی

محبوبه گلشنی^۱

چکیده

از تجلیات ارزشمند زن در جهان خلقت، نقش مادری است. مادری و زنانگی دو مفهومی است که میان آن‌ها رابطه پیچیده‌ای وجود دارد. اسلام مادری را از نمودهای عالی کمال زن دانسته و پرورش نسل را خطیرترین وظیفه زن می‌داند. قرآن کریم برای ویژگی‌ها، وظایف و حقوق مادران، مقام و جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته که عمل به آنها موجب ارزشمندی هرچه بیشتر این نقش می‌شود. تشویق زنان به فرزند آوری، انجام مسئولیت‌ها در این زمینه، موجب پرورش نسلی برخوردار از سلامت جسمی و روانی خواهد بود. مذهب و روان‌شناسی حوزه‌هایی اند که در دو زاویه تشبیه و تفاوت به جایگاه و نقش مادر در زندگی فرد پرداخته‌اند. مذهب به عنوان نهادی که نقش تعیین‌کننده‌ای در زمینه مادری دارد. در عین حال، حیطه روان‌شناسی به مطالعه رفتارهای حضور مادر در حوزه فردی و اجتماعی بررسی می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی جایگاه مادری با دو رویکرد اسلامی و روان‌شناسی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی به دست آمده و نگاه تطبیقی به این دو حیطه داشته‌ایم.

کلیدواژه: جایگاه مادر، دین اسلام، روان‌شناسی، متون دینی

مقدمه

از تجلیات ارزشمند زن در جهان خلقت، نقش مادری است. مادری و زنانگی دو مفهومی است که میان آنها رابطه پیچیده‌ای وجود دارد. هرچند برای مادری ارزش‌گذاری زیادی می‌شود و از زنان، انتظار می‌رود نقش مادری را بپذیرند، عملکرد واقعی این نقش هنوز مشخص نیست. منظور از مادر کسی است که پرورش فرزندان را در دوران حمل و پس از آن برعهده دارد. همراه با واژه مادر، مفاهیمی چون تولد، توجه و مراقبت از کودکان، ارضای نیازهای عاطفی و روانی، احساس مسئولیت در قبال آنها و همچنین برقراری روابطی که نیازهای آنان را برآورده کند، به ذهن متبادر می‌شود (صاقی فسایی، ۱۳۷۴).

تمام ادیان بزرگ آسمانی جایگاه مادر را پاس داشتند و در منابع اسلامی، وراثت و محیط از عوامل موثر بر رشد شناخته شده‌اند که مادر در هر دو زمینه نقش دارد. خداوند متعال زمینه مادر شدن را در زنان فراهم آورده و این توانایی را ملاکی ارزشی معرفی می‌نماید. مادری در همه ادیان مظهر

^۱ سطح ۲ حوزه الغدیر تهران

پرورش است. رسالت تربیت نفس، که باید از خاستگاه ایجاد و جایگاه تولد مهبای پاک و عفاف شود، به عهده اولین مربی حیات یعنی مادر است. بیشتری سهم تاثیرگذاری وراثتی و تربیتی، از آن مادر است. او نقش بیشتری در بهداشت، سلامت روان، رشد و تربیت کودک دارد؛ چرا که نخستین رابطه مستقیم کودک، با مادر است. همچنین نیازهای کودک را تامین می کند، به خواسته های او پاسخ می دهد و کودک از عواطف، احساسات و نگرش های مادر بیشترین تاثیرپذیری را دارد.

تفاوت های تکوینی زن و مرد: با تامل در آیات قرآن و نصوص دینی چنین بر می آید که زن و مرد در اصل هویت انسانی و ویژگی هایی که لازمه نوع انسانی است، برابرند. اما خدای حکیم به مقتضای بقای نسل، انسان را به دو صنف زن و مرد تقسیم کرده و تفاوت در برخی خصلت ها لازمه چنین تقسیمی است (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۵)

تفاوت های روحی و روانی زن و مرد: دستگاه خلقت هر نوعی از موجودات را در مداری مخصوص به خود او قرار داده است و سعادت او را هم در همین مدار طبیعی خودش مشخص کرد (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۴۴)

قرآن کریم نیز تصریح دارد که ما شما را گوناگون و مختلف آفریدیم (سوره نوح، ۱۴) خداوند خلقت زن را لطیف قرار داد و شعور و احساس ظریف به او موهبت فرمود و همین خصوصیات در وظایف محوله به او تاثیر دارد. زن به منزله کشت زاری برای نوع بشر است (سوره بقره، ۲۲۳)

مادری نوعی وجود انسانی با نظریه الزامات بیولوژیکی زنانگی است. در این دیدگاه، مادری سرنوشت طبیعی زنان و کارکردی غریزی است (چودورو، ۱۹۷۸: ۵۰)

مادری معمولاً به معنای توجه و مراقبت از کودک، ارضای نیازهای مادی، عاطفی و روانی آنها و احساس مسئولیت در قبال آنهاست (آدامز، ۱۹۹۰: ۳۱) در رویکردهای معاصر نسبت به جنسیت، مادری نمودی از ارتباطات است که در فضای تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و حتی نژادین قابل تغییر است (صادقی، ۱۳۸۴: ۱۹)

اسطوره عشق مادری جنبه های خاصی را داراست که آن را از عشق های دیگر متمایز می کند. البته ارزش ها اجتماعی و فرهنگی بر آن تاثیرگذار است (منجم، ۱۳۸۴: ۱۷۱)

برخی بر این باورند که حتی احساسات و عواطف همسر، پایه در عشق مادری داشته و از غریزه او در انطباق با اوضاع برمی خیزد (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۷۴)

دانشمند برجسته جامعه شناس، جان بالبی رابطه مبتنی بر دلبستگی کودک با مادر را سنگ بنای شخصیت کودک دانسته، در صورت کمبود آن، کودک ناتوان از برقراری رابطه معنادار با دیگران خواهد بود.

روش تحقیق

در این پژوهش با تکیه بر مطالعات توصیفی-تحلیلی با روش کتابخانه‌ای-اسنادی، به بررسی جایگاه مادری در دو حوزه دینی و روان‌شناسی پرداخته شده است. مقاله حاضر با مطالعه متون، منابع و فیش برداری از مطالب مرتبط استخراج گردید.

ضرورت پژوهش

مادری و زنانگی دو مفهومی است که میان آنها رابطه پیچیده‌ای وجود دارد. هرچند که مادری به عنوان نهاد اجتماعی است و از زنان انتظار می‌رود که این نقش را بپذیرند، اما عملکرد و شیوه پذیرش آن هنوز جای بررسی و مطالعه دارد. از زاویه دیگر روان‌شناسی و مذهب حوزه‌هایی است که به نقش مادری پرداخته‌اند. مذهب به مثابه نهادی که مادری را تکریم می‌کند و نقطه عطف زن را در مادری تعریف می‌کند. در حالی که روان‌شناسی به مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی، رویکردی چالشی و ابژه محور به حضور مادر در زندگی فرد دارد.

در دهه‌های اخیر با توجه به افزایش تحصیلات و آگاهی مادران، افزایش مشارکت اجتماعی و شغلی، گرایش به فردگرایی، به کارگیری نهادهای تربیتی در کاهش مسئولیت مادران در عرصه آموزش، برداشت و تجربه مادران بسیار متفاوت شده است. پیدایش مفاهیمی همچون مادری توانمند و مادری کافی، تصورات و بازنگری را در این عرصه می‌طلبد. از این روست که مطالعه مقوله مادری در علوم همچون علوم روان‌شناسی و تربیتی، مطالعات زنان و علوم دینی حائز اهمیت است.

معنای لغوی و اصطلاحی مادر

مادر معادل فارسی "ام" به زنی که یک یا چند فرزند به دنیا آورده باشد؛ اطلاق می‌شود. "ام" در فرهنگ‌های عربی به معنای اصل، ریشه، مبدا و سرآغاز هرچیز تعریف شده است. در بیشتر متون اسلامی از واژه واژه "والد" هم تعبیر می‌شود.

همچنین کلمه مادر، بصورت جمع و مفرد مانند: "ام"، و والداتی در قرآن آمده است:

- قال ابن ام ان القوم استضعفونی؛
- وبرا بوالدتی؛ مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده است.

جایگاه مادر در آموزه‌های قرآنی روایی

احترام به پدر و مادر از اوصاف برجسته انبیای الهی مانند حضرت یحیی، نوح و ابراهیم (ع) بر شمرده شده است (ابراهیم، ۴۱ نوح: ۲۸) چنان که از قول حضرت یحیی در قرآن نقل شده است که "خدا من را طوری خلق کرد که نسبت به پدر و مادرم خوش رفتار باشم" (مریم، ۱۴)

از سوی دیگر در سوره لقمان هم بر اهمیت زحمت های مادر در رشد و تربیت فرزند تاکید می کند (لقمان، ۱۴؛ احقاف: ۱۵)

پیامبر اسلام و نیز امامان شیعه علیهم السلام نیز بر جایگاه بلند مادر تاکید کرده و احترام و نیکی کردن به او را توصیه نموده اند. سخن مشهور منتسب به رسول خدا (ص) در تبیین مقام مادر که می فرمایند: بهشت زیر پاهای مادران است. رسول خدا در سخن دیگری نیکی به مادر را مقدم بر همه کارهای خیر دانسته و حتی بر نیکی به پدر مقدم دانسته است. از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمودند واجب ترین حقوق بر فرزند ادای حق مادر است و سپس حق پدر و هم ایشان در رساله الحقوق در مورد حقوق مادر می فرمایند: حق مادرت این است که بدانی او به گونه ای تو را حمل کرده است که هیچ کس چنین لطفی به دیگری نمی کند و او تو را حفظ و نگهداری کرد و باک نداشت که خود گرسنه بماند و تو را سیر سازد. براساس مجموع این آموزه های روایی، ایده جایگاه بلند مادر در فرهنگ تشیع کاملاً غالب گشته است. از سخنان پیامبر اکرم در کتاب محجبه البیضاء می توان چنین استفاده نمود که مادر بیش از پدر به ابراز عواطف نسبت به فرزند خود می پردازد و درباره رشد و تکامل او بیشتر جدیت به خرج می دهد.

این کلام امام سجاد (ع) که به زبان تبیین حقوق ارائه شده، نشان دهنده عظمت و بزرگی مقام مادر است. این مسئله به لحاظ تربیتی دارای اهمیت است که انسان همیشه و در هر کار، به ویژه در خدمت رسانی به مادر و جلب رضایت وی از خدا کمک بجوید و با اتکاء به امدادهای او انجام وظیفه کند و بر مشکلات زندگی فائق آید.

ویژگی های مادران در قرآن و روایات

در آموزه های اسلامی، مادر بودن ارزش و مسئولیتی بزرگ است که به دلیل ویژگی های زیستی و روانی زنان، برعهده آنان قرار گرفته است. فقه اسلامی نیز براساس همین ویژگی ها، مادران را سزاوارتر از دیگران در مراقبت از فرزندان می داند. این ویژگی های زیستی و روانی در آیاتی از قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است که در دو بخش به آنها اشاره می شود:

ویژگی های زیستی

مادری، موقعیتی است که از نظر زیست شناختی با نخستین بارداری و تولد اولین فرزند به وجود می آید. اموری مانند بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت از فرزند به طور مستقیم با ویژگی های زیستی مادر در ارتباط است (عزیززی، ۱۳۶۳: ۱۱۵)

قرآن کریم با یادآوری بر جنبه های زیست شناسی زنان در عهده دار شدن نقش مادری، به مادری طبیعی در مقابل مادری قراردادی معتقد است. در اثبات این مساله می توان به این آیه شریفه استناد نمود " ان امهاتهم الا اللاتی ولدنهم، مادرانشان تنها کسانی اند که آنها را به دنیا آورده اند. (مجادله، ۲)

در این آیه، قرآن کریم تاکید می کند که مادران، کسانی اند که فرزندشان را به دنیا می آورند. مفسران در تفسیر این آیه گفته اند که رابطه مادر و فرزند، معلول گذراندن فرآیند ویژه ای به نام بارداری و وضع حمل است (مکارم، ۱۳۷۴: ۴۱۰)

قاعدگی

پس از بلوغ، تغییراتی زیستی در بدن زنان اتفاق می افتد که برای آمادگی آنان در ایفای نقش مادری است. این تغییرات در زنان از بلوغ آغاز می شود و تا زمان یائسگی ادامه می یابد. در این دوران، عادت ماهیانه یا قاعدگی رخ می دهد که خونریزی فیزیولوژیک دوره ای رحم است و به طور معمول هر چهار هفته یک بار در دوران استعداد باروری زن و در غیاب حاملگی اتفاق می افتد. به طور کلی، قاعدگی لازمه و مقدمه بارداری است که در نگاه اسلام یکی از مراحل مادر شدن و دورانی پرمشقت و همراه با ثواب و تقرب الهی است.

با این نگرش که قاعدگی، امری تکوینی است و به اراده خداوند متعال در وجود زن قرار داده شده و براساس قرآن کریم، رنج و اذیتی برای زنان و مقدمه باروری و فرزندآوری یه شمار می رود، بی شک تحمل درد و رنج آن نیز، بدون اجر و ثواب نخواهد بود.

ویژگی های روانی

افزون بر ویژگی های زیستی مادران، شماری از ویژگی های روحی مادران نیز در قرآن کریم آمده که به برخی از آنها اشاره می شود.

فرزندخواهی

یکی از نیازها و قابلیت های مهم زنان، روح پرورش دهندگی و مادری است. تجلی احساسات مادرانه و نیاز به فرزند در بسیاری از زنان به سادگی قابل مشاهده است؛ زیرا شدت احساسات و عواطف، از صفات بارز آنها است.

قرآن کریم نیز غریزه فرزندخواهی زنان را تایید نموده است. خداوند در بیان سرگذشت حضرت ابراهیم، زمانی که از بشارت ولادت حضرت اسحاق در دوران پیری ابراهیم سخن می گوید، به شادمانی همسر سالمندش، ساره اشاره می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷۲)

شادی وصف ناپذیر ساره، نشان از علاقه وی به داشتن فرزند است که در دوران پیری نیز در وجود وی زنده مانده بود.

دیگر شاهد قرآن بر غریزه فرزندخواهی زنان، همسر عمران، مادر حضرت مریم است. براساس تفاسیر، حنه و اشباع دو خواهر بودند که اولی به همسری عمران درآمد که از شخصیت های برجسته بنی اسرائیل بود و دومی با حضرت زکریا، پیامبر خدا ازدواج کرد. حنه، همسر عمران سال های زیادی دارای فرزندی نشد. روزی زیر درختی نشسته بود، پرنده ای را دید که به جوجه های خود غذا می دهد. دیدن این محبت مادرانه، آتش فرزندخواهی را در دل او شعله ور ساخت و از خدا تقاضای فرزند کرد و او باردار شد.

عطوفت نسبت به فرزند

عشق مادر به فرزند، از زیباترین جلوه های زندگی مادر و کودک است که صحنه های زیبایی از فداکاری، محبت و ایثار را می آفریند. عاطفه و محبت نسبت به فرزند، حمایت ها و جنبه های مراقبتی از فرزند را نیز ایجاد می کند. و مادران را به صرف عمر و جوانی در این کار وا می دارد.

طبیعت مادرانه چنان این محبت را در وجود آنان تثبیت کرده که در بسیاری از موارد، قانون و شرع مجالی برای توصیه به آن و دخالت در چگونگی آن ندارد. هرچند در اسلام، بر مواردی چون برتری تغذیه کودک با شیر مادر نسبت به دیگر شیوه های تغذیه و برتری عاطفه مادر نسبت به فرزند بر دیگر عاطفه ها و تربیت فرزندان به دست مادران تاکید بسیار شده و آن را دارای ارزش زیادی می داند، ولی این موضوع به شکل " الویت مهم" وارد شده است؛ نه " امری لازم"؛ زیرا مادران خود به طور معمول به فرزندان خود عشق می ورزند و از آنها مراقبت و نگره داری می کنند.

در روایات معصومان نیز غریزه فرزند دوستی زنان بیان شده است، گویا دختران از ابتدا با صفاتی مانند دلسوزی، لطافت و آرامش بخشی برای مادری خلق شده اند: رسول خدا زنی را دید که با وجود گرسنگی، تکه نانی را که به او بخشیده بودند، به فرزندانش می داد. فرمود: " والداتوالهات رحیمات باولادهن لو لا ما یاتین الی ازواجهن لقبل لهن ادخلن الجنة بغير حساب (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵۴)

با دگرگونی های عصر حاضر به نظر می رسد این وابستگی ها و دلبستگی ها در برخی از زنان و مادران کاهش یافته و امور دیگری مانند فعالیت های اجتماعی، اشتغال و درآمدزایی، پرداختن به تفریح های متنوع جای آن را گرفته است. می توان مهم ترین دلیل این دگرگونی را تغییر نگاه ارزشی به نقش مادری و زنانگی دانست که در سال های اخیر به دلیل رشد جنبش فمینیسم، بیشتر فراگیر شده است.

از سوی دیگر رواج ارزش های مادی و فردگرایی که تناسبی با فداکاری های مادرانه ندارد نیز در طرد نقش مادری تاثیرگذار است.

نقش تربیتی

پدر و مادر زمینه ساز سعادت کودک هستند. قرآن کریم تاکید بر اهمیت دادن به خانواده دارد: ای کسانی که ایمان آوردید هم خودتان و هم خانواده تان را از آتش جهنم دور نگاه دارید، آتشی که مردمان و سنگان هیزمان آنند (تحریم، ۶)

خسارت و ضرر واقعی آن است که انسان و خانواده او جهنمی شوند و روز قیامت همگی به سوی آتش روانه گردند. به درستی که خسران آشکار جز این نیست (زمر، ۱۵)

سفارش و احترام به مادر در قرآن

در سوره های مریم آیات ۳۱ و ۳۲، احقاف آیه ۱۵، لقمان آیه ۱۴ در سفارش به نیکی به والدین تاکید شده است؛ و نیز در چهار سوره از قرآن مجید، بلافاصله بعد از پرستش خداوند، احترام به مادر را بیان کرده است.

پروردگارد آیات قرآن، ابتدا به نیکی کردن نسبت به پدر و مادر هر دو دستور می دهد، سپس بدون ذکر زحمات پدر، مشکلات و ناراحتی های مادر را بیان می کند. صبر و پایداری مادر در برابر سختی های دوران بارداری و پذیرش دوره شیردهی و تربیت فرزند، موجب شده تا به احسان والدین حکم شود. تا آنجا که نیکی به پدر و مادر در قرآن هم طراز با عبادت خدای متعال به حساب آمده است.

خدای متعال در آیه ۱۴ از سوره لقمان و همچنین در سوره ی احقاف پس از توصیه نسبت به احسان والدین، در بیان تحمل رنج و زحمت های مادر می فرماید: مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد و دوران حمل و از شیرگرفتنش ۳۰ ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و در چهل سالگی بالغ گردد.

اخلاق مادری در اسلام

از نظر اسلام، مادر اساس شکل گیری هویت خانواده است و شخصیت همسر و فرزندان و سعادت و شقاوت خانواده منسوب به اوست. از این رو در روایات، نهایت سعادت مندی مرد را برخوردار از همسر شایسته و با صلاحیت می دانند (میرخانی، ۱۳۷۹: ۱۱۸)

مادر برای فرزند، نمونه اخلاق و رفتار است و طفل، راه و فلسفه زندگی را نخستین بار از مادر می آموزد. دامن زن، دامن عصمت، عظمت، عفت و فضیلت است. امام سجاد(ع) در مورد حق فرزند می فرماید: حق فرزند بر تو این است که بدانی وجود او از توست، بد و خوب او در دنیا به تو ربط دارد و بدانی که مسئول تربیت او هستی. او را چنان تربیت کن که خود را در مقابل نیکی به او ماجور و در مقابل بدی به او معذب و معاقب بدانی (رساله الحقوق، ۱۳۷۰: ۱۴۰)

در بعد اخلاقی، مادر باید مبانی اخلاقی و فضیلت ها را بفهمند و در زندگی پیاده کند تا بتواند ملکات اخلاقی را در کودک ایجاد کند و در جنبه دینی، ایمان و اعتقاد زیربنایی و متکی به آگاهی های اصولی مادر، ضروری است و بر این اساس می تواند طفل را به سوی اهداف

ارزنده سوق دهد. مادر مسئول سلامت جسمی و روانی کودک است و باید طرز سلوک شایسته با دیگران را به کودک منتقل نماید (قائم، ۱۳۷۸: ۲۷۲)

حضرت زهرا(س) الگوی تمام بعدی مادران: با تامل در ابعاد زندگی دختر رسول خدا به عنوان بهترین همسر و ارزشمندترین مادر می بینم که از کوخی محقر، انسان هایی عرضه می شوند که نورانیت وجود آنها زمان را در می نوردد (میرخانی، ۱۳۷۹: ۱۲۹)

در بعد عملی و مبارزه با باطل، خطبه غرای ایشان در مسجد مدینه آنچنان جامع ابعاد مختلف تاریخی، جامعه شناسی، فلسفه انحطاط ملل، اصول و فروع دین، جایگاه رهبری، نقش عبادت و اخلاص است که روزگار چون او را به خود ندیده است.

تربیت اخلاقی و تربیت دینی

در تربیت اخلاقی، تربیت دینی از جایگاه رفیعی برخوردار است. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که تربیت دینی توسط خانواده ها نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی دارد.

همچنین پژوهش ها موید این مطلب است که مذهب می تواند خویشتن داری را که عنصر اساسی در تربیت است، افزایش دهد و در این میان خانواده می تواند به عنوان اصلی ترین و اساسی ترین عنصر تربیت دینی تلقی شود (رهبر، ۱۳۸۹: ۱۵)

پرورش و تربیت دینی، روشی است که انبیاء و صاحبان ادیان و شرایع در طول تاریخ از آن استفاده کرده اند. آنان از یک سو کمال واقعی و حقیقی انسان را در رشد ایمان به خدا و آیات دانسته اند.

تربیت دینی فرزندان و آشنا کردن آنها با خداوند و مسائل عبادی دین و اخلاقیات جزء وظایف والدین است از طرفی باید توجه داشت کودکان فطرتا خداشناس هستند و برخورد و تربیت والدین در امر تربیت باید به نحوی باشد که سبب شکوفایی فطرت آنها شود.

در سیره معصومان (ع) هنگام آغاز تربیت کودک پیش از تولد دانسته شده است؛ زمان ازدواج و انتخاب همسر نخستین زمینه های شکل گیری کانون تربیت رقم می خورد، زیرا عوامل موثر در تربیت، صرف نظر از فطرت، که اختیار آن به دست انسان نیست، شامل عوامل ارثی و محیطی است.

مادری کارکرد مهمی برای زن محسوب می شود و البته زن برای مادر شدن باید نقش همسری را پذیرفته باشد. شان مادری و شرافت و مسئولیتی که این جایگاه دارد و توجه ویژه ای در متون دین به منزلت مادر و نقش تاثیرگذاری آن و طبعاً مسئولیت های وی شده است.

در عرفان اسلامی جایگاه زن و مادر با نقش و جایگاه حضرت فاطمه (س) توصیف و تبیین شده است. در ساحت عرفان چشم اندازی است که در آن پدر را عقل کل و مادر را نفس کلی در

موجودات و کائنات می نامند. تاکید اسلام بر مراقبت زنانه و به ویژه بر نقش مادری از یک سو بر تبیینی غایت شناسی مبتنی است که بر محور کارکردهای مثبت تفکیکی وظایف زن و مرد دور می زند و در نتیجه اسلام به این موضوع به عنوان یک الویت مهم و نه یک امر الزامی می نگرد و از سوی دیگر از پاره ای تفاوت های طبیعی برخاسته است که اسلام آنها را بین زن و مرد مفروض می گیرد. از این رو اسلام با تاکید بر ابعاد معنوی مادری کوشیده است تا سلامت روانی و احساس رضایت و امید را در مادران تقویت کند.

مادری در حوزه روان شناسی

نظریه روابط ابژه ای: آغاز نگره های روان شناسی به مادری

نظریه رابطه ابژه در روانشناسی روان تحلیلگر مطرح شده و به فرآیند پیشرفت و رشد ذهنی در عین رشد جسمی شخص در ارتباط با دیگران در محیط می پردازد. ابژه ها در عین رشد جسمی شخص در ارتباط با دیگران در محیط می پردازد.

روابط ابژه ای در آغاز، با کنش ها و تعاملات کسی که اولین مراقبت ها را به فرد ارائه می کند (مادر) شکل می گیرد. رونالد فربرن (Ronald Fairbairn) این نظریه را که زمینه شکل گیری اش در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ بوده است، با تاثیرپذیری مستقیم از نظریه روان شناسی فروید (مرحله عقده ادیپ) در ۱۹۵۲ مطرح کرد و روان شناسانی چون ملانی کلین، دونالد وینی کوت و هاری گان تریپ به بسط آن پرداختند.

برحسب نظریه ابژه ای، نگره های گوناگون تحول مادری در حوزه روان شناسی قابلیت بررسی دارد که در اغلب آن ها مادر در قالب ابژه فرض شده است.

نانسی چودورو: بازنگری رویکرد فروید حول مادری

چودورو شکل گیری هویت جنسیتی را از درون شناخت پویای روانی خانواده و روابط ابژه ای کودک با مادرش می داند (هام، ۱۳۸۲: ۷۶)

او یکی از مهم ترین عوامل سلطه مردانه را این می داند که پرورش کودکان برعهده مادر است؛ زیرا زنانی که مادر می شوند و دخترانی به وجود می آورند که میل به مادر بودن دارند و پسرهایی به وجود می آورند که مردانگی برایشان به معنای برتری مردانه است و ظرفیت ها و نیازهای پرورش دهندگی در آن ها سرکوب و محدود می شود. بنابراین جنسی امری جامعه شناسانه و روان شناسانه به شمار می رود، نه امری طبیعی و زیست شناسانه، که در هر نسل بازتولید می شود. نتیجه اجتماعی این رویکرد، سازماندهی وظایف والدین به گونه ای است که این وظایف میان زنان و مردان تقسیم شود.

چودورو اعتقاد دارد که این سیکل سنتی باید شکسته شود. به عبارت دیگر، مردان نیز باید در کار بزرگ کردن کودکان نقش داشته باشند. اگر این وضعیت ادامه یابد، زنان همواره تحقیر شده و در حاشیه خواهند بود. یگانه برابری زن و مرد همین است.

دلبستگی و نظریه بالبی

دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاصی در زندگی برقرار می کنیم، به طوری که باعث می شود از تعامل با آنان احساس شغف کرده و از این که آنان را در کنار خود داریم، احساس آرامش می کنیم (سیدمحمدی، ۱۳۸۷: ۲۷۲)

بالبی (۱۹۶۹) اعتقاد دارد دلبستگی پیوند یا گره های هیجانی پایدار بین دو فرد است، به صورتی که یکی از طرفین تلاش می کند نزدیکی یا مجاورت با مظهر دلبستگی را حفظ کرده و به گونه ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می یابد.

در ماه های نخست بعد از تولد، دلبستگی برای نوزاد شامل تعامل های ساده و بازشناسی ادراکی نشانه هاست؛ اما در پایان سال اول زندگی، کودک به گونه ای به مادر دلبسته می گردد که در جدایی از او علائم استیصال و درماندگی را نشان می دهد.

نظریه دلبستگی اشاره دارد که نوزادان و بچه های کوچک نیازمند آنند با کسانی که آنها را بزرگ می کنند نوعی رابطه عاطفی رضایتمند برقرار کنند تا از این طریق بتوانند در بزرگسالی ذهنی پویا و خلاق داشته باشند. اساس این نظریه این است که هر موجود جدیدی که متولد می شود، نسبت به کسی که او را به دنیا آورده احساس تعلق دارد و ناخودآگاه علاقه خاصی به او دارد.

در مورد دلبستگی مجادله نظر وجود دارد. برخی مانند فروید براساس نظریه روان کاوی، تغذیه را شرط اولیه ای در نظر می گیرند که والدین و نوزادان به کمک آن پیوندهای عاطفی برقرار می کنند. مادری که از رشد فرزندش حمایت می کند، ناراحتی او را تقلیل می دهد.

مقبول ترین نظریه درباره پیوندهای عاطفی فرزند با مراقبت کننده، نظریه کردارشناختی دلبستگی است. جان بالبی معتقد است که تغذیه مبنای دلبستگی نیست. رابطه فرزند با والد به صورت یک رشته علائم فطری آغاز می شود که والد را به طرف فرزند می کشد.

از نظر او، خصوصیات اولیه مادر، بر ارتباط دلبستگی تأثیر مهمی دارد. آنچه مادر با خود به این ارتباط می آورد نه تنها تحت تأثیر ظرفیت های فطری اوست؛ بلکه مجموعه ای از ویژگی ها را نیز از تاریخچه طولانی ارتباطات بین فردی با اعضای خانواده خود حتی با سایر افراد خارج از خانواده و همچنین از جذب ارزش ها و عناصر فرهنگی خود، وارد رابطه دلبستگی با کودک می نماید (بالبی، ۱۹۶۹)

بررسی دو رویکرد دینی و روان شناختی در تطبیق با یکدیگر

با بررسی رویکرد دینی، مادر از هر جهت از مقام ارجمند و والایی برخوردار است و مردم را به خدمت مادر فراخوانده است. مادری خود، نقطه مشترک همه ادیان است، اما در سه حیطه خاص تاکید بسیار دارد:

کرامت انسانی مادر

نگره ارزشی در ادیان آغوش مادر را سکوی وقوف به کرامت انسانی و ارزش انسان ها می داند؛ مادر دریچه رویکرد معنوی در کودک است.

دامان مادر نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است. عملی ترین وسیله تربیت ارائه نمونه ای عملی است و کودک مادر را به مثابه نمونه عملی در پیش چشم دارد (همدانیان، ۱۵۰: ۱۳۹۰)

احترام به مادر

بیشترین تاکید در ادیان مسئله احترام به مادر است. در واقع، رویکرد احترامی آمیز انسان به دریچه وجودی اش (مادر)، وی را متفکر و سپاسگزار منشا اصلی وجودی اش (خداوند) قرار می دهد. بنابراین، دین احترام به مادر را از مراتب کمال انسانی می داند.

تشابه رویکرد دینی با رویکرد روان شناسی، تاکید بسیار هر دو بر نقش مادر در سنین آغازین زندگی است؛ چرا که مادر در واقع نخستین واسطه میان کودک و زندگی اجتماعی است و شکل گیری شخصیت کودک با نقش مادری در زن به هم پیوند می خورد. مصداقی از این نوع نگرش، توصیه خداوند به حضرت عیسی در احترام به مادرش است. در تعالیم دینی جایگاه خاصی برای نگره مادر قائل هستند و آن را در سعادت کودک بسیار با اهمیت می داند.

مقایسه دیدگاه اسلام و روان شناسی

در آموزه های دینی بر اهمیت جایگاه مادر و نقش آن اختلافی ندارند ولی در روان شناسی در میزان اهمیت مادر اختلاف و چالش وجود دارد. رسالت مادر در قرآن پرورش انسان سالم و دینی است ولی در روان شناسی به ارتقای استعدادهای خودش هم می پردازد.

از دیدگاه آموزه های دینی ایمان، دین داری، تقوی و توفیق الهی مقدمه شایستگی مادر است ولی در نظریه های جدید مادری از مادری کافی سخن می گویند. در معرف دینی، هدف ارتقای معنوی و کمک به هدایت و رسیدن به شایستگی انسان است که این امر با اقتدا به الگویی کامل و الهی حاصل می شود. یکی از اهداف روان شناسی، بهبود کارکردهای فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

نتیجه گیری

مطابق بررسی هایی که از دو رویکرد دینی و روان شناسی در این مقاله ارائه شد، در دین شاخصه برتر ادیان توجه به مادری است، تکریم جایگاه مادری در حوزه خانوادگی و اجتماعی است. در ادیان مادری به مثابه شغل مستقل در نظر گرفته شده است و برای آن حقوق و اعتبار و ارزش قائل شده است و برخلاف نگره جنسیت مدارانه رویکرد روان شناختی، مادر را در وجهه انسانی خویش گرامی می دارد.

در اسلام نقش و جایگاه مادری، نقشی مقدس است. اسلام در برابر مادری قراردادی که مورد نظر فمینیست ها است، بر مادری طبیعی تاکید می کند و نقش زیستی مادر در تولد فرزند را محترم می شمارد. تاکید اسلام بر پاسداشت مقام مادران و قراردادن پاداش معنوی برای آنان است. تاکید اسلام بر احترام به پدر و مادر مخصوصا مادر و نیکی به آنها را در چندین قسمت از قرآن و سنت متذکر شده است.

در رویکرد روان شناسی، حمایت و حقوق مادر در حوزه دین را تایید می کند، اما مغایرت بین این دو حوزه در قابلیت تفویض مادری دانست؛ توانمندی های زنان، دیالکتیک جنسیت با مادر و تاثیر مادر در فردیت از دغدغه های روان شناسی به شمار می رود. برجسته ترین نظریه پرداز در روان شناس، نانسو چودورو بود. او مادری را به مثابه شغل اصلی مدنظر قرار داد، اما نتوانست تحلیل خود را در قالبی توانمند به سامان برساند و در پایان، آن را قابل تفویض به غیر، یعنی پدر قلمداد کرد و تفویض نقش مادری را یگانه راه برای برابری ایشان با مردان دانست.

منابع

ابراهیمی، جواد (۱۳۹۰)، بررسی روش الگویی رویکرد دینی و روان شناسی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)

انصاریان، حسین (۱۳۷۷)، نظام خانواده در اسلام، چاپ هفتم، قم: انتشارات ام ابیها

افضلی، مرضیه؛ انتظاری، علی (۱۳۹۹)، جایگاه مادری از منظر شهید مطهری در مقایسه با فمینیسم، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۸۶

افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، مبانی روان شناختی تحکیم خانواده در غربت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

افروز، غلامعلی (۱۳۷۴)، روان شناسی تربیت کودک و نوجوان، تهران: انجمن اولیاء و مربیان

بستان، حسین (۱۳۸۸)، اسلام و تفاوت های جنسیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بیگی، نفیسه (۱۳۹۵)، تبیین جایگاه مادر در سبک زندگی اسلامی با تاکید بر آیات و روایات، همایش بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی

پارسا، فروغ (۱۳۹۸)، درآمدی بر تمایز جایگاه مادری در آموزه های قرآنی و روایی با منزلت مادر در منابع فقه شیعی، پژوهش نامه زنان، فصل نامه علمی- پژوهشی، شماره سوم

حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۶)، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

خیری، یوسف؛ نعمتی، جواد؛ ساجدی، اکبر (۱۳۹۹)، نقش مادر در تربیت کودک از منظر آموزه های اسلامی، مجله علمی علوم اسلامی انسانی

جمشیدی، اسدالله (۱۳۸۵)، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی، جستاری در هستی شناسی زن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سراقی، همایون؛ منیرپور، نادر؛ احمدشناسی و تعیین مولفه های نقش مادری براساس متون دینی، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده

شهیدی، جعفر (۱۳۷۳)، نهج البلاغه؛ ترجمه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم

صحیفه سجادیه (۱۳۸۵)، ارومیه: نشر ریما

طبرسی، ابوالحسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، موسسه انتشارات فراهانی

قرآن کریم*

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی

- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ ۶۱، صدرا، قم
- محمدی، احمد (۱۳۹۳)، خانواده، مادر و جایگاه مادری، مشهد: اترک
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۲ق)، منتخب میزان الحکمه، قم: انتشارات دارالحدیث
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۷)، قرآن و روان شناسی، مترجم: عرب، عباس؛ مشهد: انتشارات آستان
قدس رضوی
- نیلی پور، مهدی (۱۳۸۰)، فرهنگ فاطمیه، الفبای شخصیتی حضرت زهرا، اصفهان: مرکز
فرهنگی شهید مدرس
- هاشمی، حسین (۱۳۸۶)، قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده، پژوهش های قرآنی، ویژه نامه قرآن
و خانواده
- همدانیان، فاطمه؛ نعمت، خلیل؛ خدابخش، روشنگر (۱۳۹۰)، نگره ای تطبیقی بر مادری در روان
شناسی و ادبیات ادیان، پژوهشنامه زنان، شماره ۱